

متن پرسش

به نام خدا. با سلام و احترام خدمت استاد: پیرو سوالات قبلی یکی دیگر از مبانی فکری مدیریت غربی عقلانیت ابزاری است، به طوری که می توان گفت عقلانیت ابزاری مهمترین پارادایم در مدیریت و سازمان به شمار می آید. در این چارچوب نظریه های مدیریت و سازمان فقط در صورت سوددهی مادی مطرح شده اند. لطفا نظرتان را در این خصوص و تاثیر گذاری عقلانیت ابزاری بر علوم اجتماعی و به طور خاص مدیریت غربی بیان فرمایید. همچنین نظرتان را در خصوص جایگزین این عامل در مدیریت اسلامی بیان فرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی بشر حوزهی حضور خود در عالم را محدود به حضور در عالم ماده دانست، تلاش او محدود به ابزارهایی می شود که حضور او را در عالم ماده آسان کند و عقلی به صحنه می آید در همین رابطه به عنوان عقل ابزاری، ولی اگر بشر حضور خود را گسترده تر از عالم ماده تشخیص داد بدون آن که از حضور خود در عالم ماده غافل شود، شخصیت خود را جهت حضور در عوالم برتر و ملکوت اعلی شکل می دهد. چنین انسانی این همه در فضای سود دهی مادی خود را مختصر نمی کند که موجب بحران طبیعت از یک طرف و بحران روان انسان ها از طرف دیگر شود. موفق باشید